



نقش احزاب کرد در تنش های جاری ایران

خطر تبدیل پیشمرگه های کرد به پیاده نظام آمریکا و اسرائیل

کارگران انقلابی متحد ایران - اسفند ۱۴۰۴

تماس تلفنی دونالد ترامپ با رهبران دو حزب اصلی کردستان عراق بار دیگر نقش گردها را در مرکز جنگ آمریکا و اسرائیل با ایران قرار داده است.

حزب دموکرات کردستان در پی کسب قدرت خواه با الگویی شبیه کردستان عراق خواه در شکل سهیم شدن در قدرت مرکزی، با بخش هائی از اپوزیسیون بورژوائی ایران است، در این راه از سازش با جمهوری اسلامی و یا تکیه به کمک های دول خارجی مانند آمریکا و اسرائیل ابائی ندارد و همان طور که در گذشته نشان داده در این راه از قلع و قمع رقبایش هم بیمی ندارد.

گزارش ها حاکی از آن است که دونالد ترامپ شخصاً با مصطفی هجری، رهبر حزب دموکرات کردستان ایران، تماس تلفنی داشته است تا درباره برنامه های احتمالی و همکاری های دوجانبه گفتگو کند. ترامپ همچنین با چهره های کلیدی کردستان عراق مانند مسعود بارزانی و باقل طالبانی گفتگو کرده تا از نفوذ آنها برای هماهنگی با احزاب کرد ایرانی استفاده کند.

این تماس ها یک روز پس از آغاز حمله های هوایی گسترده به هدف هایی در ایران انجام شد و به گفته منابع آگاه آکسیوس، یک گفت و گوی تلفنی «حساس» بوده است. هدف اصلی این تماس بررسی نقش احتمالی نیروهای گُرد عراق (پیشمرگه ها) در نزدیکی مرز ایران-عراق و ارتباط نزدیک آنها با گردهای ایران بوده است. این رایزنی ها پس از ماه ها لابیگری بنیامین نتانیاهو صورت گرفته که معتقد است گردها می توانند نقش مهمی (به صورت حمایت زمینی از نیروهای آمریکا و اسرائیل و شاید حتی قیام

به ضد جمهوری اسلامی) ایفا کنند، هر چند برخی مقامات آمریکایی این برآورد را بیش از حد خوش‌بینانه می‌دانند.

به گزارش رویترز، هم‌زمان با حملات آمریکا و اسرائیل به اهدافی در ایران، برخی گروه‌های مسلح کرد در اقلیم کردستان در روزهای اخیر با مقام‌های آمریکایی درباره احتمال و چگونگی حمله به نیروهای امنیتی ایران در مناطق غربی کشور رایزنی کرده‌اند.

در سطح ژئوپلیتیک، اسرائیل به دنبال استفاده از جناح‌های راست در کردستان به‌عنوان ابزاری برای فشار آوردن بر ایران است. در همان حال، آمریکا آنها را خطری برای بر هم زدن ثبات عراق می‌بیند. در سطح منطقه‌یی، رهبران کُرد اگرچه عاملیت نسبی دارند که به آنها در مذاکراتشان با قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای قدرت چانه‌زنی بر سر منافع سیاسی و فرقه‌ای شان می‌دهد اما این عاملیت بسیار محدود است، زیرا که آنها ناچارند میان ایران، آمریکا، اسرائیل، و ترکیه در نوسان باشند و هر حرکتی ممکن است ائتلاف‌های داخلی‌شان را ضعیف کند.

ائتلاف نیروهای سیاسی کردستان ایران

در سوم اسفند ۱۴۰۴ پنج حزب و سازمان کرد ایرانی پس از ماه‌ها مذاکره، تحت یک چتر واحد به نام «ائتلاف نیروهای سیاسی کردستان ایران» متحد شدند. این احزاب و سازمان‌ها عبارتند از:

- حزب دموکرات کردستان ایران (به رهبری مصفی هجری)،
- حزب آزادی کردستان (به رهبری حسین یزدان پناه)،
- حزب حیات آزاد کردستان (به رهبری ویان پیمان)،
- سازمان خبات کردستان ایران (به رهبری بابا شیخ حسینی)،
- کومه له زحمتکشان کردستان (به رهبری رضا کعبی)

«حزب کومه له کردستان ایران» زیر رهبری عبدالله مهدی، در آغاز تشکیل این ائتلاف، ضمن حمایت از این «هم‌پیمانی» به خاطر برخی «ابهامات» به آن نپیوست، اما در روز ۱۳ اسفند ۱۴۰۴ به آن پیوست و شمار احزاب و سازمان‌های عضو آن از پنج به شش رسید. مهدی خبر پیوستن حزب خود به این ائتلاف را «خبری دلگرم‌کننده برای همه تلاشگران امر اتحاد سیاسی بزرگ دموکراسی‌خواهی در ایران» خوانده است.

اهداف اصلی این ائتلاف «مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران، تحقق حق تعیین سرنوشت مردم گُرد و ایجاد یک نهاد ملی و دموکراتیک مبتنی بر اراده سیاسی ملت کرد در شرق کردستان» اعلام شده است و خواستار «مدیریت مشترک در دوره انتقالی در کردستان، یک "نیروی پیشمرگه" متحد و دیپلماسی بین‌المللی و هماهنگی در مذاکره با قدرت‌های خارجی، بویژه آمریکا و آمادگی برای تحولات احتمالی در داخل ایران با طرح‌هایی برای همکاری‌های نظامی و اطلاعاتی» شده‌اند.

گزارش‌های رسانه‌های بین‌المللی مانند CNN و رویترز به موارد زیر اشاره دارند: دولت ترامپ در حال بررسی طرح‌هایی برای مسلح کردن نیروهای کرد به منظور ایجاد فشار بر مرکز و پراکنده کردن تمرکز نظامی جمهوری اسلامی است. طبق گزارش CNN سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا CIA، در آموزش نظامی نیروهای مسلح این ائتلاف شرکت دارد.

در پاسخ به این تحرکات، سپاه پاسداران بارها مقرهای این احزاب در اقلیم کردستان عراق (مانند کمپ آزادی متعلق به حزب دموکرات) را هدف حملات موشکی و پهپادی قرار داده است تا از شکل‌گیری عملیات فرامرزی جلوگیری کند و ارگان‌های مختلف رژیم حاکم بر ایران برای جلوگیری از فعالیت آنها بارها به حکومت اقلیم کردستان عراق هشدار داده‌اند.

احزاب گُرد نسبت به پایداری حمایت‌های آمریکا (با توجه به تجربه کردهای سوریه در دوره‌های قبل) با احتیاط رفتار می‌کنند و به دنبال تضمین‌های سیاسی بلندمدت هستند. کشورهایی مثل ترکیه به شدت نگران مسلح شدن گروه‌های گُرد در مرزهای خود هستند، چرا که گروه‌هایی مانند PJAK (پژاک) نیز در این معادلات حضور دارند که ترکیه آن‌ها را امتداد PKK می‌داند. با توجه به اطلاعات موجود در اسناد و منابع خبری تا مارس ۲۰۲۶، تحرکات سیاسی و نظامی احزاب گُرد ایرانی، بویژه حزب دموکرات کردستان ایران (PDKI)، وارد فاز جدیدی شده است. این تحولات در محورهای زیر قابل بررسی هستند:

۱- ائتلاف بزرگ شش حزب و سازمان گُرد که در بالا خطوط عمده آن بیان شد.

۲- نزدیکی به دولت ترامپ و تماس‌های مستقیم

گزارش‌های دیپلماتیک در سال ۲۰۲۶ حاکی از آن است که دولت دونالد ترامپ استراتژی حمایت از اقلیت‌های قومی در ایران را به عنوان بخشی از فشار حداکثری دنبال می‌کند.

تماس تلفنی مستقیم: گزارش‌هایی مبنی بر تماس مستقیم دونالد ترامپ با مصطفی هجری، رهبر حزب دموکرات کردستان ایران، منتشر شده است که در آن بر همکاری برای «ایجاد تغییرات دموکراتیک» تأکید شده است.

دیدارهای واشینگتن: نمایندگان این ائتلاف در ماه‌های اخیر دیدارهای متعددی با مقامات شورای امنیت ملی آمریکا و وزارت خارجه داشته‌اند تا در مورد هماهنگی‌های عملیاتی و سیاسی گفتگو کنند.

۳- اهداف و راهبردهای مشترک

ایجاد منطقه امن: یکی از محورهای گفتگو، تلاش برای ایجاد نوعی «منطقه پرواز ممنوع» یا منطقه امن در نوار مرزی کردستان ایران برای استقرار نیروهای پیشمرگه است.

تقویت ظرفیت نظامی: حزب دموکرات و سایر احزاب ائتلاف به دنبال دریافت تضمین‌های سیاسی و حمایت‌های لجستیکی از آمریکا هستند تا در صورت بروز خیزش‌های سراسری، نقش بازوی سازمان‌دهنده را ایفا کنند.

۴- چالش‌ها و موانع

شکاف‌های ایدئولوژیک: برخی جریان‌های چپ‌گردد نسبت به وابستگی بیش از حد به سیاست‌های آمریکا هشدار داده و آن را باعث تضعیف پایگاه اجتماعی حزب در میان لایه‌های رادیکال‌تر می‌دانند.

۵- واکنش‌های منطقه‌ای: جمهوری اسلامی ایران با انجام حملات موشکی و پهپادی به مقرهای این احزاب در اقلیم کردستان عراق، سعی در خنثی‌سازی این نزدیکی دارد. در پی انتشار گزارش اکسیوس، بامداد سه‌شنبه ۱۲ اسفند ۱۴۰۴، حدود ساعت ۱۰ صبح به وقت محلی اقلیم کردستان، مقر حزب دموکرات کردستان ایران مورد حمله نظامی نیروهای جمهوری اسلامی قرار گرفت. گفته می‌شود که در جریان این عملیات، چهار فروند موشک به همراه یک پهپاد «کمپ آزادی» وابسته به حزب دموکرات کردستان ایران را هدف قرار داده‌اند و دست‌کم یک عضو این حزب زخمی شده است. (راديو زمانه)

به گزارش رویترز، منابع امنیتی اعلام کردند یک حمله پهپادی روز چهارشنبه ۴ مارس یک انبار تسلیحاتی را در مقر یک گروه مخالف کرد ایرانی در شهر دکالا در اقلیم کردستان عراق هدف قرار داد که در نتیجه آن، دو تن از نیروهای این گروه زخمی شدند. این حمله مقر حزب دموکرات کردستان ایران (PDKI) را هدف قرار داده است. این گروه سال‌هاست با جمهوری اسلامی مبارزه دارد. جمهوری اسلامی مدت‌هاست اقلیم خودمختار کردستان در شمال عراق را متهم می‌کند که به گروه‌های مسلحی پناه داده است که در حملات علیه جمهوری اسلامی نقش دارند. در مقابل، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز بارها پایگاه‌های این گروه‌ها در خاک عراق را هدف حملات موشکی و پهپادی قرار داده است. همچنین دولت مرکزی عراق تحت فشار تهران، محدودیت‌هایی را برای فعالیت این احزاب در خاک خود ایجاد کرده است.

۶- وضعیت بازداشت‌ها و فشار داخلی: فشار بر فعالان مدنی و سیاسی در شهرهای کردستان (مانند سنندج، سقز و بوکان) به شدت افزایش یافته و موج جدیدی از بازداشت‌ها برای جلوگیری از پیوند میان احزاب خارج‌نشین و بدنه اجتماعی داخل کشور آغاز شده است.

حزب دموکرات کردستان ایران در حال حاضر به عنوان محور اصلی ائتلاف جدید، در حال گذار از یک سازمان سیاسی-نظامی سنتی به یک «شریک استراتژیک» برای واشینگتن در معادلات جدید خاورمیانه است، هرچند که این مسیر با ریسک‌های امنیتی بالایی از سوی تهران روبروست.

حسن شمسی، عضو کمیته مرکزی کومله، در گفت‌وگو با رادیو زمانه این تحركات را نه رویدادی منفرد، که در ادامه پروژه «خاورمیانه بزرگ» به رهبری آمریکا و اسرائیل تحلیل می‌کند. او هشدار می‌دهد که در سطح انسانی، مردم گُرد هستند که بار سنگین این بازی خطرناک را به دوش می‌کشند. شمسی با تمایز قائل شدن میان جریان‌های ناسیونالیست گُرد و جریان چپ تأکید می‌کند که «امید ما به دخالت‌های خارجی نیست، بلکه به رشد جنبش‌های اجتماعی در داخل ایران و همبستگی طبقاتی با سایر مردم تحت ستم است.»

در واقع این خلق گُرد است که در هر دو سوی مرز بار سنگین این بازی خطرناک را به دوش می‌کشد. اگر جنگی بین نیروهای ائتلاف گُرد و جمهوری اسلامی رخ دهد، کردستان به صحنه نبرد تبدیل خواهد شد. ظاهراً گُردها به اندازه‌ای قدرت دارند که بتوان از آنها علیه دیگران استفاده کرد، اما نه آنقدر که بتوانند از خودشان در برابر پیامدهای این استفاده دفاع کنند. به باور او، این تحركات در دوره گذار از جهان تک‌قطبی به نظم جدید چندقطبی رخ می‌دهد و هم از این رو قدرت‌های بزرگ به دنبال تثبیت هژمونی‌شان از طریق توسعه نفوذ منطقه‌یی‌اند. در سوی دیگر، جمهوری اسلامی نیز با بهره‌گیری از استراتژی‌هایی مانند «جنگ بازدارنده» در منطقه (تشکیل جریان‌هایی مانند حزب‌الله و حماس) و پیگیری برنامه هسته‌یی و موشکی تلاش کرده است بقایش را تضمین کند، اما هر دو استراتژی با شکست مواجه شده است. او تأکید می‌کند که هزینه این بازی‌های قدرت‌های بزرگ و جمهوری اسلامی همواره بر دوش کارگران و زحمتکشان بوده است. از یک سو، تحریم‌ها و هزینه‌های نظامی زندگی توده‌ها را فلاکت‌بار کرده و از سوی دیگر، سرکوب و وحشیانه اعتراض‌های اجتماعی چرخه خشونت را بازتولید کرده است. با این حال، نتیجه این سرکوب نه تضعیف، که گسترش جنبش‌های اصیل اجتماعی (کارگری، زنان، دانشجویی، معلمان و کردستان) بوده است. از نظر او، همین جنبش‌های اجتماعی‌اند که به منزله «تهدید اصلی» برای جمهوری اسلامی عمل می‌کنند، نه دخالت‌های خارجی. شمسی در پاسخ به پرسشی درباره سرنوشت گُردها در این معادلات ابتدا بر این نکته تأکید می‌کند که کردستان نیز مانند هر جامعه دیگری جامعه‌ای طبقاتی با حزب‌ها و گرایش‌های گوناگون است. او میان حزب‌های

گردی که چشم به دخالت آمریکا و اسرائیل دوخته اند (که آنها را جریان‌های ناسیونالیست و راست می‌خوانند) و جریان چپ و کمونیست (که نمایندگی‌اش را کومله و حزب کمونیست ایران بر عهده دارند) تمایز قائل می‌شود. او تجربه‌ی روژاوا را نمونه‌ای می‌داند که نشان می‌دهد همپیمانی با آمریکا سرانجامی جز به حاشیه رانده شدن‌ها نداشته است. او در بخش پایانی گفت‌وگو امیدش را نه به دخالت‌های خارجی، که به رشد و ارتقای جنبش‌های اجتماعی در داخل ایران گره می‌زند. به باور او، بذر [شکل‌گیری] رهبری رادیکال سراسری کاشته شده و گرایش سوسیالیستی در جنبش‌های کارگری، دانشجویی، و زنان کاملاً مشهود است. آنچه می‌تواند جامعه ایران را از بحران کنونی نجات دهد همبستگی طبقاتی و پیوند اعتراض‌های سراسری با اعتصاب‌های کارگری در مراکز کلیدی تحت لوای چنین رهبری رادیکالی است.» (رادیو زمانه)

گردها بزرگ‌ترین اقلیت ملی در عراق و یکی از بزرگ‌ترین اقلیت‌ها در ایران به شمار می‌روند و اغلب از آن‌ها به عنوان بزرگ‌ترین گروه قومی جهان بدون کشور مستقل یا «ملت بی دولت» یاد می‌شود. سرزمین‌های تاریخی کردها بخش‌هایی از جنوب شرق ترکیه، شمال سوریه، شمال عراق و شمال غرب ایران را دربر می‌گیرد. پس از حمله آمریکا در سال ۲۰۰۳ که به سرنگونی حکومت صدام حسین، دیکتاتور عراق، انجامید، کردها توانستند منطقه‌ای خودمختار در شمال عراق ایجاد کنند.

نیروهای رزمی کرد موسوم به «پیشمرگه» دهه‌ها تجربه نبرد در عراق و همچنین جنگ علیه گروه «دولت اسلامی» (داعش) در سوریه دارند. حضور چنین نیروهای کارآزموده‌ای در میدان می‌تواند بُعد مهمی به حملات آمریکا و اسرائیل به ایران که از روز شنبه آغاز شده، بیفزاید. در جنگ افغانستان در سال ۲۰۰۱ آمریکا به طور مشابه از پشتیبانی هوایی سنگین برای پوشش مانور نیروهای اقلیت‌های قومی در زمین استفاده کرد تا به سرنگونی رژیم طالبان کمک کند. با این حال، روابط خصمانه کردها با ترکیه — که متحد آمریکا و عضو سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) است — می‌تواند به یک عامل پیچیده کننده بدل شود.

اعلام تشکیل «ائتلاف نیروهای سیاسی کردستان ایران» در هفته گذشته همچنین به تنش با یک گروه در تبعید به رهبری رضا پهلوی انجامیده است. از طرف دیگر، ترامپ توان رهبری رضا پهلوی را زیر سؤال برد. در ارتباط با گزارش‌های "سی‌ان‌ان" و "وال‌استریت ژورنال" درباره احتمال کمک آمریکا یا اسرائیل به احزاب کرد و ورود نیروهای پیشمرگه به ایران، بشیرتاش فعال سیاسی ملی‌گرای ایرانی، بنیانگذار و مسئول جبهه هفت آبان، از بازمانده‌های «حزب ملت ایران» که خود را هم خط پهلوی گراها می‌داند گفت که حضور احتمالی این نیروها در خلا قدرت، بویژه در مناطقی مانند مکریان که ممکن است پایگاه‌هایی داشته باشند، از ابتدا قابل پیش‌بینی بوده و حتی احتمال

حمایت اسرائیل از آنها نیز مطرح شده بود. در پاسخ به پرسشی درباره امکان نزدیکی و همگرایی میان همه نیروهای خواستار سرنگونی، بشیرتاش ابراز امیدواری کرد که چنین همگرایی‌ای شکل بگیرد. او با اشاره به چهار اصلی که رضا پهلوی مطرح کرده "جدایی دین از سیاست، حفظ تمامیت ارضی، برابری حقوق شهروندان و تعیین نوع نظام توسط مردم" گفت هر نیرویی که این اصول را بپذیرد می‌تواند در بستر یک انقلاب ملی مشارکت کند.

به گفته او، مشکل زمانی آغاز می‌شود که برخی گروه‌ها اصولی اختلاف برانگیز را پیش از شکل‌گیری نهادهای قانونی مطرح می‌کنند؛ موضوعاتی که به اعتقاد او باید در مجلس مؤسسان و سپس مجلس شورا مورد بحث قرار گیرد، نه در شرایط کنونی. وی خاطرنشان کرد که اکنون زمان اتحاد برای برقراری دموکراسی مبتنی بر حقوق بشر در ایران است.

در همین حال، برخی سیاست‌گذاران آمریکایی معتقدند نتانیاهو ممکن است شمار گردهایی را که آماده برداشتن سلاح علیه ایران هستند بیش از حد برآورد کرده باشد، هرچند به گفته یکی از مقام‌ها «این تعداد کم هم نیست». همان مقام افزود: اینکه نقش آنها در جریان جنگ یا در ایران پس از جنگ چه خواهد بود را نمی‌توانم برآورد کنم. دونالد ترامپ روز دوشنبه ۱۱ اسفند / ۲ مارس در گفت‌وگو با روزنامه نیویورک پست احتمال اعزام نیروهای زمینی آمریکا به خاک ایران را رد نکرد و اعلام کرد گزینه اعزام نیرو به ایران همچنان روی میز است. تماس تلفنی دونالد ترامپ با رهبران دو حزب اصلی کردستان عراق بار دیگر مسئله گردها را در مرکز منازعه ایران و غرب قرار داده است و شاید هم در پشت ادعای ترامپ، ایده استفاده از پیشمرگه‌های احزاب راست کردی به عنوان پیاده نظام ارتش آمریکا باشد؟!

حسن شرفی، عضو هیات اجرایی حزب دموکرات کردستان ایران، در پاسخ به پرسش دویچه وله درباره گزارش رسانه‌های غربی از جمله سی‌ان‌ان و وال‌استریت ژورنال پیرامون تماس دونالد ترامپ با مصطفی هجری، دبیر اول این حزب و یا حمایت آمریکا از پیشمرگه‌های کرد، اعلام کرد که "در حال حاضر نمی‌تواند این موضوع را تأیید یا تکذیب کند."

او درباره اظهارات ترامپ در مورد رضا پهلوی هم گفت که حزب دموکرات نظر خاصی درباره شخص او ندارد، اما با توجه به تجربه تاریخی و شناختی که از نظام سلطنتی چه در دوره پدربزرگ و چه در دوره پدر او وجود دارد، با نظام سلطنتی موافق نبوده و نیست.

شرفی افزود: «آقای رضا پهلوی علیه ملیت‌های ایران موضع گرفته و آنها را تجزیه‌طلب می‌خواند و گفته است با ارتشی که هنوز معلوم نیست کجاست، ظرف ۱۰۰ روز آنها را سرکوب خواهد کرد.»

شرفی افزود که آنان خود را ایرانی می‌دانند، کشورشان ایران است و مطالباتشان را نیز در چارچوب ایران مطرح می‌کنند، اما هرگاه از دموکراسی و تعلق ایران به همه ایرانیان سخن می‌گویند، با اتهام تجزیه‌طلبی روبه‌رو می‌شوند.

او همچنین تاکید کرد که "در تاریخ سابقه نداشته بخشی از ایران توسط مردم آن جدا شده باشد و هر جدایی‌ای که رخ داده، نتیجه عملکرد پادشاهان یا بی‌لیاقتی آنها بوده است."
 "با رضا پهلوی همکاری نخواهیم کرد"

عضو هیات اجرایی حزب دموکرات کردستان ایران در ادامه گفت به دلیل همین اتهام‌زنی‌ها علیه "ملیت‌های" ایران و نیز وعده‌های سرکوب، حزب دموکرات با رضا پهلوی موافق نیست و با او همکاری نخواهد کرد.

به گفته او، نظر ترامپ درباره پهلوی نیز به دیدگاه و شناخت شخصی خود او مربوط می‌شود.

در پاسخ به پرسشی درباره احتمال ایجاد خلاء امنیتی در مناطق کردنشین در پی حملات شدید آمریکا و اسرائیل، شرفی تصریح کرد که موضع حزب دموکرات مبارزه با جمهوری اسلامی است، زیرا این نظام را مانع تحقق دموکراسی، برابری، رفع تبعیض و خواست "ملیت‌های" ایرانی می‌داند.

او همچنین گفت این حزب در همه شرایط با جمهوری اسلامی مبارزه کرده و به دلیل نبود امکان طرح مطالبات از راه‌های مسالمت‌آمیز و انتخابات آزاد، گاه ناچار به اقدامات دفاعی شده و در شرایط کنونی نیز همین مسیر را ادامه خواهد داد. او همچنین تاکید کرد که «مسائل مربوط به کشورهای بزرگ به خود آن‌ها مربوط است و حزب دموکرات هیچ کشوری را به حمله به ایران دعوت نکرده است.»

این درست است که حزب دموکرات هیچ کشوری را به حمله به ایران دعوت نکرده است، اما همین حزب دموکرات در حال لیبیک گفتن و شرکت در جنگ و تجاوز آمریالیسم آمریکا و اسرائیل به ایران است و رهبر آن مصطفی هجری می‌گوید بدون قدرت‌های خارجی نمی‌توان رژیم اسلامی ایران را تغییر داد.

"ورود پیشمرگه‌ها برای دفاع از مردم منتفی نیست"

شرفی درباره تامین امنیت مناطق کردنشین در آینده اظهار داشت که هر زمان مردم کردستان در معرض خطر یا حمله قرار گیرند، خود را موظف به دفاع از آنها می‌دانند و در صورت توان، از همه مردم ایران نیز دفاع خواهند کرد.

اما صلاح مازوجی از رهبران جناح چپ احزاب کردی، در گفتگویی در کانال «کومله سازمان کردستان حزب کمونیست ایران» با عنوان «هشدار به ائتلاف نیروهای سیاسی در کردستان» به تحلیل تحولات اخیر کردستان و نقش احزاب سیاسی در تقابل میان آمریکا و جمهوری اسلامی می‌پردازد:

همان گونه که ما در بالا گفته ایم مازوجی نیز به تماس‌های دونالد ترامپ با سران احزاب کرد اشاره می‌کند و می‌گوید: «طبق گزارش‌ها، دونالد ترامپ با سران احزاب اصلی حاکم در کردستان عراق و همچنین با مصطفی هجری (دبیرکل حزب دموکرات کردستان ایران) تماس گرفته است. بحث بر سر ائتلافی از شش حزب کردستانی (از جمله سازمان زحمتکشان به رهبری عبدالله مهتدی) است که بنا بر نظر او، قرار است به عنوان نیروی زمینی در همکاری با آمریکا عمل کند. او می‌گوید که آمریکا (CIA) و اسرائیل قصد دارند از نیروهای مسلح این ائتلاف به عنوان «پیاده نظام» در جنگ احتمالی علیه جمهوری اسلامی استفاده کنند و اضافه می‌کند که گزارش‌هایی وجود دارد که نیروهای آمریکایی سلاح، خودرو و امکانات لجستیکی در اختیار این احزاب قرار داده‌اند تا برای حمله زمینی آماده شوند.

پیامدهای ورود نظامی به شهرهای کردستان تبدیل شهرها به کانون جنگ است. صلاح مازوجی هشدار می‌دهد که ورود این نیروها به شهرهای کردستان باعث می‌شود این مناطق به کانون اصلی ویرانی و بمباران‌های سنگین جمهوری اسلامی تبدیل شوند. او معتقد است در حالی که جمهوری اسلامی تحت فشارهای بین‌المللی و داخلی در آستانه فروپاشی است، این اقدام نظامی به رژیم بهانه می‌دهد تا سرکوب و کشتار شدیدی را در کردستان به راه بیندازد. این سیاست باعث جدایی میان مبارزات مردم کردستان و جنبش‌های اعتراضی در کل ایران می‌شود. راه‌حل جایگزینی که او ارائه می‌دهد، حاکمیت توده‌ای از پایین است. او پیشنهاد می‌کند که جوانان و مردم به جای تکیه بر قدرت‌های خارجی، «کمیته‌های همیاری»، «شوراهای محلی» و «اکپ‌های پزشکی» تشکیل دهند تا امنیت و معیشت خود را در شرایط بحرانی مدیریت کنند.

کومله (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران) مخالفت قاطع خود را با این سیاست ائتلاف احزاب راست‌گردد و سیاست‌های جنگ‌طلبانه آنان اعلام می‌کند. نظر او این است که در صورت تضعیف دولت مرکزی، خود مردم از طریق این نهادهای توده‌ای اداره شهرها و روستاها را به دست بگیرند، نه نیروهای مسلحی که وابسته به سیاست‌های خارجی هستند.

درس گرفتن از تجربه رزآوا (سوریه)

مازوجی به تجربه کردستان سوریه اشاره می‌کند که آمریکا ابتدا از نیروهای آن‌ها علیه داعش استفاده کرد، اما در نهایت با توافق با ترکیه و دیگر قدرت‌ها، دستاوردهای چندین ساله آن‌ها را با خطر مواجه

کرد. او هشدار می‌دهد که آمریکا نمی‌خواهد سربازان خودش کشته شوند و به همین دلیل از نیروهای محلی استفاده ابزاری می‌کند. در نهایت، بر این نکته تأکید دارد که مردم کردستان باید با اتکا به تجربه شورایی و توانمندی‌های خود از پایین، برای تعیین سرنوشت سیاسی‌شان اقدام کنند و اجازه ندهند جامعه به سوی یک جنگ ویرانگر سوق داده شود.

خلاصه کنیم: با گسترش هرچه بیشتر جنگ تهاجمی آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی و منطقه ای شدن آن، به نظر می‌آید که پای احزاب راست کردی نیز به میان کشیده شده است. اسرائیل از دیر باز در پی قطعه قطعه کردن ایران و سوریه و عراق به عنوان قدرت های منطقه ای رقیب بوده و حالا که سوریه و عراق از دور خارج گشته اند سراع ایران آمده است. حضور اسرائیل و آمریکا در منطقه اقلیم کردستان عراق و سوریه، تجاوز نظامی آنان به ایران را تسهیل می‌کند و اکنون در صدد هستند که نیروهای کرد را به نیروی زمینی خود تبدیل کنند. این خطر در آن سوی جغرافیای ایران در منطقه بلوچستان هم با شکل گیری ائتلافی از جهادیه‌های جیش العدل و سایر گروه های ناسیونالیست-اسلام گرای بلوچ («جبهه مبارزین مردمی» یا به طور کامل تر جبهه مبارزین مردمی بلوچستان) وجود دارد. قول و قرارهایی که آمریکا برای تأمین اسلحه و پشتیبانی لجستیکی به این احزاب می‌دهد، جنگ کنونی را به داخل شهرهای کردستان گسترش خواهد داد و فرصتی برای جمهوری اسلامی فراهم خواهد کرد تا این منطقه را به خاک و خون بکشاند. مردم کردستان دارای سنت قوی مبارزات توده ای اند و بارها نشان داده اند که با تکیه به سازماندهی توده ای از پائین، راههای مبارزه انقلابی با جمهوری اسلامی را بارها آزموده اند. باز کردن پای نیروهای تجاوزگر به این خطه و کشاندن مردم به صحنه رویارویی مستقیم با نیروهای نظامی رژیم، قرار دادن آنها میان دو آتشی است که هیچ کدام در راستای مطالبات رهایی خواهانه و دموکراتیک مردم کردستان نیستند. سرنوشت مردم کردستان بویژه کارگران و زحمتکشان کرد به جنبش انقلابی تمامی مردم ایران گره خورده است. همان طور که ما شاهد بهترین تبلورهای آن در خیزش زن زندگی آزادی بودیم. منافع مردم کردستان در افشا و طرد این ائتلاف های نامیمون است که فقط در خدمت اهداف امپریالیستی- صهیونیستی و منافع جاه طلبانه فردی و فرقه ای سران احزاب و سازمان های گردآمده در این ائتلاف هستند.

پیوست ها:

بیانیه کنگره ملیت‌های ایران فدرال در محکومیت تهدیدهای اقتدارگرایانه آقای پهلوی علیه همبستگی احزاب ملت کورد، آخرین اعلامیه «کنگره ملیت‌های ایران فدرال» نشان می‌دهد که بین مواضع نیروهای کرد و طرفداران سلطنت شکاف زیادی وجود دارد. «آخرین موضع‌گیری رسانه‌ای رضا پهلوی بار دیگر نشان داد که پشت شعارهای پرطمطراق درباره «آزادی» و «آینده نوین ایران»، همان

نگاه کهنه، تمرکزگرایانه و اقتدارطلبی نهفته است که طی یک قرن گذشته بخش بزرگی از رنج و گسست در ایران را رقم زده است. ایشان در واکنش به اعلام موجودیت «ائتلاف نیروهای سیاسی کوردستان ایران»، احزاب کورد را «چند گروه تجزیه‌طلب» نامیده و حتی پا را فراتر نهاده و در حالی که هنوز در جایگاه قدرت نیست، تهدید کرده است که در صورت دستیابی به قدرت، ارتش را مأمور سرکوب مردم کوردستان خواهد کرد. چنین ادبیاتی نه تنها مغایر با اصول بنیادین دموکراسی و حقوق بشر است، بلکه یادآور گفتمان حکومت‌های تمامیت‌خواهی است که دهه‌ها با برچسب‌زنی و امنیتی‌سازی مطالبات برحق ملت‌های ایران، سرکوب را «حفظ تمامیت ارضی» نام نهاده‌اند. تجربه تاریخی نشان داده است که امنیتی‌کردن سیاست و نظامی‌کردن مطالبات مدنی، نه وحدت می‌آفریند و نه ثبات، بلکه شکاف‌های ملی را عمیق‌تر می‌کند.

ما با صراحت اعلام می‌داریم: مبارزات ملت کورد، بخشی جدایی‌ناپذیر از مبارزه سراسری مردم ایران علیه استبداد حاکم و برای گذار به نظامی دموکراتیک، سکولار و مبتنی بر حقوق برابر است. مطالبه آزادی، کرامت انسانی، عدالت اجتماعی، حق آموزش به زبان مادری، اداره امور محلی و مشارکت برابر در ساختار آینده ایران، نه «تجزیه‌طلبی» که تجلی اصول شناخته‌شده حقوق ملت‌ها در اسناد بین‌المللی است. مبارزه مردم کوردستان، مبارزه علیه تبعیض ساختاری و انکار هویت است؛ تبعیضی که در اشکال گوناگون سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی بر ملت‌های تاریخی ساکن ایران تحمیل شده است. این مبارزه علیه هرگونه استبداد - با هر نام و پرچمی - ادامه خواهد یافت. تاریخ نیز به روشنی گواه است که زبان تهدید و لشکرکشی، سرانجامی جز چرخه خشونت ندارد. نزدیک به پنج دهه پیش نیز با ادبیاتی مشابه، فرمان «جهاد» علیه کوردها صادر شد و نتیجه آن، تعمیق بی‌اعتمادی و تداوم زخم‌های ملی بود. پیش از آن نیز سیاست‌های تمرکزگرایانه عصر پهلوی اول با انکار تنوع ملی و فرهنگی، بنیان‌های همزیستی داوطلبانه را تضعیف کرد. تکرار همان مسیر، حتی با ظاهری نو، بازتولید همان بحران‌هاست.

ایران کشوری متکثر و متشکل از ملت‌های تاریخی گوناگون است. وحدت پایدار تنها زمانی شکل می‌گیرد که این تکثر به رسمیت شناخته شود، نه آنکه با تهدید ارتش و سرکوب انکار گردد. کسانی که امروز هنوز به قدرت نرسیده از «سرکوب» سخن می‌گویند، باید بدانند که ملت‌های ایران حافظه تاریخی دارند و تجربه یک قرن تمرکزگرایی اقتدارطلبانه را فراموش نکرده‌اند.

ما هشدار می‌دهیم: هر پروژه سیاسی که بر پایه ترس، حذف، یکسان‌سازی اجباری و برتری‌طلبی ملی بنا شود، محکوم به شکست است. آینده ایران از مسیر لشکرکشی به مناطق ملت‌های دیگر و تحمیل اراده یک مرکز بر پیرامون عبور نخواهد کرد. تهدید هر ملت، تهدید همه ملت‌هاست. ما، ملت‌های

تحت تبعیض و انکار صد سال اخیر، در دفاع از حقوق جمعی خود متحد ایستاده‌ایم. همان‌گونه که رژیم پهلوی و سپس جمهوری اسلامی با وجود سرکوب گسترده نتوانستند اراده ملت کورد و دیگر ملت‌های ایران را درهم بشکنند، در قرن بیست و یکم - قرن آگاهی، ارتباطات و بازشناسی هویت‌ها - هیچ نیرویی قادر نخواهد بود با ابزار نظامی اراده سیاسی ملت‌ها را خاموش کند.

کنگره ملیت‌های ایران فدرال بار دیگر تأکید می‌کند: راه آینده ایران نه در بازتولید الگوهای شکست خورده تمرکزگرایی، بلکه در گفت‌وگوی برابر، شناسایی حقوق ملی، توزیع عادلانه قدرت و حاکمیت ساختاری فدرال، سکولار و مردم‌سالار است. تنها از مسیر شراکت واقعی همه ملت‌ها در تعیین سرنوشت مشترک است که می‌توان ایرانی آزاد، دموکراتیک و مبتنی بر عدالت پایدار ساخت. ما بر این باوریم که همبستگی واقعی نه با انکار تفاوت‌ها، بلکه با پذیرش آن‌ها و تبدیل تکثر به سرمایه‌ای برای آینده شکل می‌گیرد.» (کنگره ملیت‌های ایران فدرال)

کنگره ملیت‌های ایران فدرال چیست؟

این تشکل در سال ۲۰۰۵ میلادی (۱۳۸۴ شمسی) تاسیس شد. این گروه یک «ائتلاف» از احزاب سیاسی است که عمدتاً بر پایه هویت‌های ملی-قومی در ایران شکل گرفته‌اند. آن‌ها معتقدند نظام سیاسی آینده ایران باید «جمهوری پارلمانی سکولار و فدرال» باشد. یعنی قدرت از تهران به استان‌ها و مناطق مختلف (بر اساس ملیت‌ها) منتقل شود. اعضای "کنگره" ملیت‌های ایران فدرال

۱ - جبهه متحد بلوچستان - ایران (جمهوریخواهان)

۲ - جبهه مردم بلوچستان

۳ - شورای همبستگی ترکمن صحرا (کانون فرهنگی سیاسی ترکمن)

۴ - حزب اتحاد بختیاری و لرستان

۵ - حزب تضامن دموکراتیک الاهواز (عربستان)

۶ - حزب دمکرات کردستان ایران

۷ - حزب کومله کردستان ایران

۸ - حزب مردم بلوچستان

۹ - سازمان مردمی گرمانج (کردهای خراسان)

۱۰ - حزب مردم بلوچستان

۱۱- کانون سیاسی فرهنگی آذربایجان

۱۲- حزب دموکرات آذربایجان

پس از پیوستن حزب سبزهای ایران و همچنین پس از وحدت مجدد هر دو بخش حزب دموکرات با هم و وحدت صفوف هر دو کومه‌له زحمتکشان و تغییری در نام دو سازمان عضو، لیست اعضای ائتلاف "همبستگی برای آزادی و برابری در ایران" در این تاریخ (بهمن‌ماه ۱۴۰۱ - فوریه ۲۰۲۳)، تغییراتی در بافت و ساخت سازمانی آنها ایجاد شد.

کنگره ملیت‌های ایران فدرال یک نهاد واحد نیست، بلکه چتری است برای احزاب مختلف که هر کدام در مناطق مرزی ایران فعال هستند. احزاب گُرد با سابقه‌ترین و سازمان‌یافته‌ترین بخش این کنگره هستند. این احزاب دوران پهلوی را دوران سرکوب هویت‌های قومی و تحمیل زبان فارسی می‌دانند. بنابراین، بازگشت هرگونه نماد پادشاهی برای آن‌ها تداعی‌گر بازگشت به آن دوران است.

پهلوی بر حفظ ساختار یکپارچه ارتش و نهادهای امنیتی تاکید دارد، در حالی که این احزاب خواهان داشتن نیروهای انتظامی و محلی خود (مانند پیشمرگه‌ها در کردستان عراق) هستند.

بسیاری از این احزاب در داخل ایران به دلیل فعالیت‌های مسلحانه یا اقدام علیه امنیت ملی، توسط حکومت مرکزی «غیرقانونی» و «تروریستی» شناخته می‌شوند، اما در فضای بین‌المللی خود را فعالان سیاسی مدافع حقوق بشر معرفی می‌کنند.

در سال‌های اخیر، این احزاب سعی کرده‌اند با تشکیل ائتلاف‌هایی نظیر «همبستگی برای آزادی و برابری در ایران»، صدای خود را در مجامع بین‌المللی تقویت کنند تا به عنوان جایگزینی برای جریان‌های پادشاهی‌خواه یا مرکزگرا شناخته شوند.

حزب کومه‌له کردستان ایران (عبدالله مهدی)

به دنبال جدایی از حزب کمونیست ایران و بازسازی حزب کومه‌له کردستان ایران در سال ۲۰۰۰، این حزب در کنفرانس هشتم خود در سال ۲۰۰۲ سرخط مهم‌ترین وظایف و رسالت خود را برای به سرانجام رساندن وحدت جنبش کردها در کردستان ایران قرار داد. با وجود موفقیت‌هایی که در زمینه همکاری با سایر احزاب گُرد به دست آورد، عبدالله مهدی در تقلید از رهبران حکومت اقلیم کردستان عراق، کوله‌گدائی بر دوش گرفته و راهی دیار غرب شده و بر سر سفره هر کس و نا کسی می‌نشیند تا سهمی از قدرت هنوز به دست نیامده را بگیرد. از (مرکز همکاری احزاب کردستان ایران) و مرکزیت شورای مدیریت گذار تا شب نشینی‌های رضا پهلوی و نشست‌های متعدد اخیر در واشنگتن و تورنتو.

در اواخر سال ۲۰۰۷ تشدید اختلافات بین رهبران حزب کومله کردستان ایران سبب انشعاب عمر ایلخانی‌زاده و تشکیل حزبی مجزا با نام کومله زحمتکشان کردستان شد. با این وجود در ۲۸ آبان ۱۴۰۱ (۱۹ نوامبر ۲۰۲۲) و پس از اعتراضات مهسا امینی، بعد از ۱۵ سال دو حزب به دنبال روند مذاکراتی که یک سال و نیم به طول انجامید بار دیگر به یکدیگر پیوسته و تحت نام حزب کومله کردستان ایران فعالیت مشترک خود را تحت رهبری واحد تداوم بخشیدند.

مرکز همکاری احزاب کردستان ایران، مرکزی متشکل از حزب کومله کردستان ایران، کومله زحمتکشان کردستان، حزب دموکرات کردستان ایران و سازمان خبات کردستان ایران است که پس از اعتراضات دی ۱۳۹۶ ایران تشکیل شد. مرکز همکاری در سازماندهی شماری از اعتصابات و اعتراضات فراگیر در کردستان ایران نقش داشته است. در جریان خیزش ۱۴۰۱ ایران، این مرکز در روزهای مشخصی همسو با دیگر جریان‌های داخل ایران در فراخوان‌هایی مردم را دعوت به اعتصاب و اعتراض علیه جمهوری اسلامی کرد.

از ۵ حزب هسته اصلی تشکیل دهنده این مرکز ۴ حزب فدرالیسم را به عنوان راه حل مسأله ملی در ایران در اساسنامه خود طرح کرده‌اند، اما در کنفرانس مطبوعاتی نشست تشکیل این مرکز تنها به موضوع تلاش برای تغییر رژیم و برقراری ایرانی دموکرات، سکولار و آزاد بدون نام بردن از «فدرالیسم» اشاره شده است! همچنان که در اطلاعیه این مرکز نیز بدان اشاره شده است، جریان‌های شرکت کننده در این مرکز به تغییر رژیم جمهوری اسلامی و برای برقراری حکومتی دموکراتیک، آزاد و برابر، شکستن سیستم فوق متمرکز سیاسی در ایران ایمان داشته که حقوق ملت کرد و تمام ملیتهای دیگر ایرانی در قانون اساسی آن تبیین و تعیین شده است. در بیانیه پایانی پلنوم وسیع کمیته مرکزی حزب کومله کردستان ایران بهمن ۱۴۰۱ می خوانیم:

«جهتگیری و سیاست ما در قبال تلاش برای ایجاد اتحادی فراگیر در بین اپوزیسیون ایران بر مبنای ایجاد سیستم دموکراسی پارلمانی و حاکمیتی غیر متمرکز و همه‌گیر و همچنین فاکتورهای اساسی برای شکل دهی به ایجاد گفتمانی هماهنگ در جنبش کردستان را شامل میشد. در این مورد نیز پلنوم کمیته مرکزی سند جهتگیری سیاستهای کومله را با اتفاق آرا به تصویب رسانید، به این ترتیب پلنوم با شعار زن، زندگی، آزادی و اراده برای تداوم انقلاب ژینا (مهسا) پس از یک روز فشرده کاری پایان گرفت.»

حزب کومله کردستان ایران در کنار حزب دموکرات کردستان ایران یکی از دو حزب از ایران است که اکنون در انترناسیونال سوسیالیست عضویت دارد و همچنین عضو اتحاد ترقی‌خواهان نیز به شمار می‌آید.

ویژگی این حزب و رهبر فرصت طلب و دوره گرد سیاسی اش عبدالله مهدی در این است که در اغلب نشستها و ائتلاف های اپوزیسیون بوژوائی حضور دارد. ما او را در مرکزیت شورای مدیریت گذار و در نشست واشنگتن و استانفورد با رضا پهلوی و یا «کنگره ملیت های ایران فدرال»، «شورای دموکراسی خواهان ایران» و «همبستگی برای آزادی و برابری در ایران» و ... می بینیم. این سیاستهای راهبردی فرصت طلبانه در آخرین پلنوم کمیته مرکزی این حزب که در بالا نقل کردیم، مورد تأیید قرار گرفت. ماهیت طبقاتی کومه له و مواضع سیاسی اش را بیشتر از عملکرد سیاسی و امضای آن پای برنامه شورای مدیریت گذار و منشور مهسای رضا پهلوی می توان ارزیابی کرد. صرف نظر از همه کلی بافی های خود آنها و ارجاع به گذشته تاریخی و انقلابی کومه له، امروز آنها در اردوی اپوزیسیون بوژوائی قرار گرفته اند..

چهارشنبه ۱۳ اسفند ۱۴۰۴



به دنبال انتشار بیانیه ای اعلام موجودیت بخشی از گروه های کرد به نام «همپیمانی نیروهای سیاسی کردستان ایران» رضا پهلوی در بیانیه ای به شدت به این گروه ها حمله کرد و آنها را «چند گروه تجزیه طلب» خواند که « ادعاهایی موهوم و سخیف را درباره تمامیت ارضی و یگانگی ملی ایران مطرح کرده اند». رضا پهلوی که هنوز هیچ قدرتی ندارد در بیانیه خود تاکید کرد که هر فرد یا گروهی که از خط قرمز تمامیت ارضی عبور کند، با پاسخ قاطع روبرو خواهد شد.

در واکنش به این بیانیه جریان «هم پیمانی» رضا پهلوی را به خاطر بلندکردن چماق فرسوده ای «تجزیه طلبی» مورد انتقاد قرار داد و ضمن تاکید بر همسویی نظری وی با پاسداران در سرکوب ملیت های ساکن ایران یادآوری کرد که شمشیر از رو بستن رضا پهلوی علیه جنبش آزادیخواهانه ی گُرد در حالی است که به گواه تمامی آزادیخواهان و کارشناسان امور ایران، در جنبش ژینا - زن، زندگی،

آزادی – و همین خیزش اخیر مردم ایران نیز، نامبرده با همراهی حلقه‌ی مشکوک پیرامونی‌اش نقش غیرقابل انکاری در ایجاد تفرقه و پراکندگی در صفوف مردم و مخالفان رژیم داشته است.

مشاجره بر سر تمامیت ارضی ایران و حملات تند و نفرت پراکنی بین این دو جریان در حالی است که هر دو گروه بر محور مداخله پیشگیرانه نظامی آمریکا و نزدیکی به اسرائیل همسویی دارند و یا حداقل هیچ اختلاف نظر آشکاری تاکنون نداشته‌اند. برخی از نیروهای همپایانی از عملیات مسلحانه مجاهدین خلق در تهران که رقیب سلطنت طلبان برای جلب حمایت آمریکاست، ستایش کرده‌اند.

در واکنش به قطب بندی جریانات رقیب و مدعی آلترناتیو در میان نیروهای همسوی فشارهای حداکثری آمریکا و نیابتی های وابسته به اسرائیل، بخش های مختلف نیروی سوم از جناح چپ و رادیکال تا جمهوری خواهان و بخشی از گذارطلبان فعالیت های خود را تشدید کرده اند و در موقعیت آرایش همگرایی های موازی درون طیفی اما به شکل جداگانه قرار گرفته اند. با این حال در مناطقی مثل کردستان که مبارزه سیاسی و آگاهی و خودسامان یابی از پیشرفت قابل ملاحظه ای برخوردار است، گسترش همکاری میان نیروهای چپ رادیکال، تمرکز بر تقویت نقش و نفوذ تشکل های مستقل مدنی، صنفی کارگری گامی مبرم در راستای تقویت عمومی نیروی سوم است.

لینک مصاحبه صلاح مازوجی

https://youtu.be/M8PKY1tph2s?si=CLFfRgArgAQwl_jG